

پژوهش‌های تاریخی

سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۶۱)، بهار ۱۴۰۳، ص ۱۲۴-۱۰۵

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۶

مقاله پژوهشی

نقش ایرانیان استانبول در نشر و توزیع متون تجددگرایانه و مشروطه‌خواهانه

محمدحسین صادقی، دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

sadeghihossein@ut.ac.ir

حسن حضرتی*^۱، دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hazrati@ut.ac.ir

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی «نقش ایرانیان استانبول در نشر و توزیع متون تجددگرایانه و مشروطه‌خواهانه»، از طریق کشف مجراهای ارتباط میان مشروطه‌خواهان ایرانی و هم‌تایان عثمانی‌شان برآمد؛ از این رو پس از ارائه گونه‌شناسی از ایرانیان استانبول، ویژگی‌های کلی آنجا (در ربط با موضوع پژوهش) را به‌عنوان مهم‌ترین کانون ارتباط میان مشروطه‌خواهان ایرانی و عثمانی ارائه و جایگاه آن را در نشر و توزیع آثار فارسی‌زبان مشخص کرد؛ سپس با تمرکز بر ایرانیان چاپخانه‌دار و یا اهل قلم، به‌عنوان عوامل نشر و توزیع آثار مدنظر، نقش این افراد در تولید و انتقال آثار حاوی اندیشه مشروطه‌خواهی و تجددگرایی، میان ایران و عثمانی بررسی و مشخص شد که این افراد با حضور در استانبول و بهره‌گیری از امکاناتی که این شهر در اختیارشان قرار می‌داد، دست به تألیف، ترجمه و انتشار چنین آثاری می‌زدند. در ادامه و با تمرکز بر کانون‌های فعالیت ایرانیان، همچون «خان‌الده» و «مدرسه ایرانیان استانبول»، نقش و جایگاه آنان در تکمیل زنجیره ارتباط میان مشروطه‌خواهان ایرانی و عثمانی تبیین شد. این پژوهش، نشان داد ایرانیان فعال در صنعت نشر عثمانی، در کانون‌هایی از جمله «شرکت صحافی ایرانیه» و «مطبعة اختر»، آثاری حاوی اندیشه تجددگرایی و مشروطه‌خواهی را چاپ می‌کردند و این آثار را از طریق کانون‌های دیگری همچون کتاب‌فروشی‌ها، به‌ویژه در بازار صحافان، به دست مخاطبان ایرانی و عثمانی خود می‌رساندند. این آثار افزون بر تغذیه فکری استانبول، به مناطق دیگری از جمله ایران و عراق نیز ارسال می‌شد. براساس یافته‌های این پژوهش، مدعی می‌شویم که ایرانیان مشروطه‌خواه در استانبول، ضمن برقراری ارتباط با مخاطبان ایرانی و عثمانی‌شان، نقش مهمی در ترویج اندیشه مشروطه‌خواهی در ایران و عثمانی داشتند.

واژه‌های کلیدی: نقش، ایرانیان استانبول، نشر، تجددگرایی، مشروطه‌خواهی.

* نویسنده مسئول

2476-3306 © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



10.22108/jhr.2024.140696.2627

۱- مقدمه و طرح مسئله

همسایگی درازمدت و اشتراکات بی‌شمار میان ایران و عثمانی، انواع ارتباطات و مناسبات میان دولت‌ها و مردمان این دو سرزمین را در پی داشت که مناسبات فکری نیز، از آن جمله بود. در اواخر قرن ۱۹ م. / ۱۳ ق. و اوایل ۲۰ م. / ۱۴ ق. و بنا بر علل و دلایل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، ایرانیان زیادی به قلمرو عثمانی مهاجرت کرده و جمعیت درخور توجهی از آنان، استانبول (اسلامبول) را برای اقامت برگزیده بودند. این افراد که بیشترشان از آذربایجان و یا قفقاز می‌آمدند، بستری را برای تأثیرات متقابل (Interaction) میان ایرانیان و عثمانی‌ها ایجاد کردند. استانبول نیز پایتخت امپراتوری عثمانی و کانون تحولات مهمی در میدان سیاست، جامعه و فرهنگ بود. از طرف دیگر، موقعیت عثمانی به‌عنوان پیشرفته‌ترین سرزمین در جهان اسلام، که کم‌کم رؤیای پوشیدن قبای دارالخلافت‌اش نیز تعبیر می‌شد، پایتختش را پذیرای طیف وسیعی از مهاجران، از جمله ایرانیان کرده بود. برخی عوامل استانبول را در چشم ایرانیان جذاب می‌کرد که یکی از آنها، قرارگرفتن این شهر در سرزمین‌های اسلامی و دیگری فراهم کردن بستری برای برقراری ارتباطات تجاری، سیاسی و فرهنگی با اروپا بود. در سایه همین ویژگی‌ها بود که استانبول، پس از پذیرش مهاجران جدید ایرانی و به‌عنوان نقطه اتصال دیگر کانون‌های ایرانیان خارج از کشور (هند، قفقاز، مصر و اروپا)، نقش مهمی را در برقراری ارتباط میان این کانون‌ها ایفا کرد.

شرایط سیاسی ایران و استبداد قاجاری، امکان فعالیت آزاد سیاسی در ایران را به مشروطه‌خواهان و مخالفان شاه قاجار نمی‌داد؛ از این رو برخی از کنشگران سیاسی که بیشتر شامل مشروطه‌خواهان بودند، رنج هجرت به جان خریدند و رهسپار عثمانی

شدند؛ زیرا نزدیکی استانبول به ایران و کوتاهی دست عمال استبداد قاجاری در آن دیار، آنجا را به مقصد جذابی برای آنان تبدیل کرده بود. هرچند استبداد سیاسی و سانسور مطبوعات، مشخصه بارز عثمانی «دور حمیدی» (۱۲۹۳-۱۳۲۷ ق. / ۱۸۷۶-۱۹۰۹ م.) بود؛ اما کنشگران سیاسی ایرانی نسبت به همتایان عثمانی‌شان، آزادی عمل بیشتری داشتند. این افراد پس از حضور در عثمانی، با طیف‌های گوناگون جامعه عثمانی، از جمله سیاست‌ورزان هوادار اصلاحات و یا مشروطه‌خواهان ارتباط گرفتند و طی فرایندی چهل‌ساله، نقش مهمی را در انتقال تجربه اصلاحات و مشروطه‌خواهی میان ایران و عثمانی ایفا کردند. حضور این افراد در استانبول و برقراری ارتباطات و گفت‌وگوهایی که انجام می‌شد، نقش مهمی در انتقال اندیشه تجدد و مشروطه‌خواهی میان ایران و عثمانی داشت.

در طول دوره یادشده و با گسترش موج مشروطه‌خواهی، سرزمین‌های شرقی همچون عثمانی و ایران نیز از این امواج بی‌نصیب نماندند و هرکدام به‌گونه‌ای، تحت تأثیر آن قرار گرفتند. از سوی دیگر، تکاپوهای مشروطه‌خواهی در هر دو کشور تا اندازه زیادی، متأثر از یکدیگر بود. حضور تعداد چشمگیری از ایرانیان مشروطه‌خواه در استانبول، در کنار نقش پررنگ آنان در صنعت نشر عثمانی، موجب پدیدآمدن ارتباط استوار، میان مشروطه‌خواهان ایرانی با همتایان عثمانی خود شده بود؛ به‌طوری که این گروه از ایرانیان، با ارتباط‌گیری با همتایان عثمانی‌شان، دانش سیاسی خویش را افزایش دادند و مجرای را برای انتقال اندیشه‌های نو، از جمله مشروطه‌خواهی به ایران ایجاد کنند؛ در نتیجه فرایند مشروطه‌خواهی در هر دو کشور، تحت تأثیرات متقابل قرار گرفت. در این میان و آنچه از دیدگاه این پژوهش اهمیت دارد، نقش

ایرانیان استانبول در نشر و توزیع آثاری است که هرکدام به‌گونه‌ای حاوی مبانی نظری مشروطه‌خواهی بوده‌اند. به عبارت دیگر، این پژوهش در نظر دارد تا با تمرکز بر مهاجران ایرانی استانبول و فعالیت‌های قلمی/انتشاراتی آنان، نقش این افراد را در تألیف، ترجمه، چاپ و توزیع این آثار، بررسی کند.

۲- پیشینه پژوهش

پیش از این نیز پژوهشگران به ایرانیان استانبول و نقش ایشان در جنبش مشروطه ایران توجه کردند؛ به‌طوری که سیاهه‌ای درازدنبال از این آثار وجود دارد. با این حال در بسیاری از این آثار، به ابهام این پژوهش توجه نشده است و محدود پژوهش‌هایی که این مسئله را بررسی کرده‌اند نیز، نتوانسته‌اند پاسخی درخور، به آن بدهند؛ از آن جمله، رئیس‌نیا (۱۳۷۴) تلاش ستودنی و دسته‌بندی خوبی از متفکران و اهل قلم ایرانی ساکن استانبول را ارائه داده است، اما مباحثی که درباره «پیوند دو انقلاب» مطرح کرده است، بیشتر در سطح و در حد اطلاعاتی درباره تماس‌های میان مشروطه‌خواهان ایران و عثمانی باقی مانده است. وطن‌دوست و پورحسین دارابی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای، گفتمان قانون و قانون‌گرایی در روزنامه/اختر را بررسی کرده‌اند. همچنین قدیمی قیداری و صادقی کاکرودی (۱۳۸۸)، رویکرد روزنامه/اختر را به اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی عصر روشنگری و مفاهیمی از جمله آزادی، دموکراسی، ملیت، استقلال، قانون‌خواهی و انتقال آن به ایران را بررسی کرده‌اند. نصر (۱۳۸۶) در مقاله‌ای، بازتاب مفاهیمی همچون آزادی، قانون، مجلس و اخبار مربوط به مشروطه عثمانی را در روزنامه/اختر بررسی و صالحی (۱۳۸۹) نیز در کنار معرفی مختصر روزنامه شمس، به‌صورت گذرا به نقش این روزنامه در جریان مشروطیت ایران اشاره کرده است.

افزون بر اینان، سهرابی (2011) (Sohrabi) طی پژوهشی، مشروطه‌خواهی را در ایران و عثمانی بررسی و با یکدیگر مقایسه کرده است. کورتولوش (2010) (Kurtuluş) در فصل پنجم رساله دکتری خویش، جایگاه استانبول و موضع دولت عثمانی را در جریان جنبش مشروطه ایران بررسی کرده است، همچنین مباحثی که لارنس (2015) (Lawrence) در پژوهش‌هایش درباره روزنامه/اختر و ایرانیان استانبول مطرح کرده است نیز، سخن چندان تازه‌ای نداشته و در حد سطح باقی مانده است. ییلدیز (2021) (Yıldız) در دو مقاله تقریباً مشابه، به محمدطاهر تبریزی و جایگاه او در صنعت نشر عثمانی اشاره و جایگاه روزنامه و مطبوعه/اختر را در صنعت نشر و مطبوعات فارسی استانبول، بررسی کرده است. درنهایت دیغیراوغلو (2020) (Diğiroğlu) در مقاله‌ای، شرکت صحافیۀ ایرانیه و فعالیت انتشاراتی آن را بررسی کرده است. نکته مشترک درباره تمامی این آثار، تفاوتی است که در مسئله آنان با ابهام این پژوهش وجود دارد. برخلاف آثار نامبرده، این پژوهش بر تألیف، نشر و فروش آثاری که حاوی اندیشه تجدد و مشروطه‌خواهی بوده است، همچنین مجراهایی که از طریق آنان، فعالیت ایرانیان اهل قلم استانبول بر جریان مشروطه‌خواهی در ایران و عثمانی تأثیرگذار بود نیز، توجه کرده است و بنا دارد با استفاده از منابع دست اول از جمله سفرنامه‌ها، خاطرات، اسناد آرشیوی و سالنامه‌های رسمی دولت عثمانی، بر نقاط تاریک این بخش از تاریخ دو کشور، پرتوی نویی بیفکند.

۳- ایرانیان استانبول و تکاپوهای مشروطه‌خواهانه

ایرانیان استانبول را می‌توان بزرگترین گروه مهاجران خارجی استانبول در نظر گرفت. این مهاجران که شامل طیف‌های گوناگونی می‌شدند، در آن دیار به

انواع فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مشغول بودند. از دیدگاه این پژوهش و در طول دوره بحث‌شده، مهم‌ترین گروه ایرانیان استانبول، کنشگران سیاسی بودند که در نتیجه استبداد قاجاری، یا به جبر و یا به اختیار، راهی استانبول شدند و یا قبل از آنکه سر از اروپا درآورند، مدتی در این شهر اقامت داشتند. آسانی حضور در استانبول نسبت به اروپا، همچنین فضای شهری آن شهر، بستر مناسبی را برای کنشگران سیاسی ایرانی فراهم کرده بود که به هر دلیل، امکان ادامه فعالیت در ایران را نداشتند

(بهنام، ۱۳۷۲، ص. ۲۷۴؛ Yildiz, 2021, p. 70). آنان در مدت حضور در استانبول، اوضاع و اخبار ایران را نیز تعقیب (جورابچی، ۱۳۸۹، ج. ۹/۹۷۹) و با حمایت تجار، گذران زندگی می‌کردند. همچنین در کنار برقراری ارتباط با دیگر ایرانیان مهاجر، با روشنفکران عثمانی و به‌ویژه مشروطه‌خواهان آن دیار نیز، ارتباط داشتند. ایرانیان استانبول با کمک فکری یکدیگر و دوستان عثمانی‌شان، ضمن چاپ کتاب و روزنامه، آثاری را نیز از زبان‌های اروپایی به فارسی ترجمه و منتشر می‌کردند و همچنین با ایرانیان مقیم خارج از کشور در قاهره، برلین، تفلیس، پاریس و لندن نیز ارتباط نزدیکی داشتند (Behnam, 1993, p. 8-9; Yildiz, 2021, p. 71)

افزون بر این موارد، حضور ایرانیان در استانبول، شرایط و امکاناتی را برایشان فراهم می‌کرد که احتمال داشتن آنها در ایران کمتر بود؛ برای نمونه، امکان فراگرفتن زبان‌های خارجی در استانبول به مراتب بیش از تهران بود؛ به طوری که میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و حتی درویش ایرانی، حاج سیاح، زبان فرانسوی را در استانبول فرا

گرفته بودند (وزیری کرمانی، ۱۳۵۲، ص. ۷۲۲-۷۲۳؛ محلاتی، ۱۳۶۳، ص. ۹۵). میرزا آقاخان کرمانی در استانبول، علاوه بر زبان‌های ترکی و فرانسوی، در حال فراگرفتن زبان انگلیسی نیز بود (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۲۵). همچنین موقعیت جغرافیایی استانبول، این امکان را برای ایرانیان فراهم می‌کرد که با حضور در آنجا، زودتر از دیگر ایرانیان نسبت به اخبار و احوال دنیا، آگاهی به دست آورند؛ برای نمونه، در استانبول و از طریق روزنامه‌ها بود که وزیر وظایف (۱۳۸۹، ص. ۸۳)، در جریان جنگ روسیه و ژاپن قرار گرفت. افزون بر این موارد، برخی آثار دارای مضامین تجددگرایانه و مشروطه‌خواهانه بودند که دسترسی به آنها در ایران ممکن نبود و تنها در استانبول پیدا می‌شد. چنان‌که تقی‌زاده (۱۳۷۲، ص. ۴۳) در زمان حضور در استانبول، زمانش را با مطالعه چنین آثاری می‌گذراند و «صبح و شام» از کتاب‌فروش‌های استانبول، کتاب به امانت می‌گرفت و مطالعه می‌کرد.

ایرانیان استانبول از طریق اماکن و تشکیلاتی که به ایشان اختصاص داشت، ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشتند و همین تشکیلات و اماکن، نقش مهمی در ایجاد بستری مناسب برای ارتباط‌گیری مشروطه‌خواهان ایرانی با یکدیگر و همتایان عثمانی‌شان داشت؛ از آن جمله به قهوه‌خانه‌ها، بازارها، مساجد، مدارس (به‌ویژه مدرسه ایرانیان استانبول) و خان‌ها^۱ (به‌ویژه خان والده) اشاره می‌شود. حضور و فعالیت مشروطه‌خواهان ایرانی در خان والده (رئیس‌الذکرین، ۱۳۸۹، ج. ۷/۳۳۶؛ فراهانی، ۱۳۶۲، ص. ۱۲۹، ۲۵۴؛ دولت‌آبادی، ۱۳۷۱،

۱. «خان»، جایی است شبیه کاروانسرا، با این تفاوت که داخل شهر و تقریباً چیزی میان هتل و مراکز تجاری امروزی است. خان‌ها چندین اتاق و حجره داشتند که برای دفتر کار، دکان و یا محل بیتوته از آنها استفاده می‌شد.

قراگوزلو (۱۳۸۹) با ایرانیان اهل قلم استانبول، از جمله زین‌العابدین مراغه‌ای، محمدطاهر تبریزی و حاجی میرزا مهدی مدیر اختر دیدار داشت و میرزا آقاخان کرمانی نیز نسخه‌هایی از روزنامه‌ی قانون را به دست حاجیان می‌رساند (رئیس‌نیا، ۱۳۷۴، ج. ۵۵۳/۲).

در چنین شرایطی، استانبول پایگاهی برای تکاپوهای مشروطه‌خواهان ایرانی شد. از میان ایرانیان مشروطه‌خواه، برخی پیش از آغاز جنبش در استانبول حاضر بودند و گروهی دیگر که بیشتر شامل کنشگران سیاسی فراری می‌شدند، هم‌زمان با این حرکت و به‌ویژه پس از به‌توپ بسته شدن مجلس شورای ملی (۲۳ جمادى‌الاول ۱۳۲۶ق. / ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸م.) عازم آن دیار می‌شدند و در آنجا با دیگر هم‌مسلمانان ایرانی خود ارتباط می‌یافتند؛ برای نمونه، زین‌العابدین مراغه‌ای که جدای از انتشار سیاحت‌نامه، با نگارش مقالاتی در روزنامه‌ی شمس، تکاپوهای مشروطه‌خواهی خویش را پی می‌گرفت (برای نمونه بنگرید به: روزنامه‌ی شمس، ۲(۱۴-۱۵)، ۱۱-۱۲؛ همان، ۲(۱۶)، ۵-۹)، یکی از حلقه‌های واسطه برقراری ارتباط میان مشروطه‌خواهان نیز بود؛ به‌طوری که دیدارهایی با علی‌اکبر دهخدا داشت (مستوفی، ۱۳۸۴، ص. ۲۰/۲) و تقی‌زاده را نیز با نویسندگان/اختر آشنا کرد (تقی‌زاده، ۱۳۷۲، ص. ۴۴).

بخشی از تکاپوهای مشروطه‌خواهی ایرانیان با روزنامه‌های/اختر و شمس، به پیش می‌رفت. این دو، مهم‌ترین روزنامه‌های فارسی استانبول بودند و نقش مهمی در آشنایی ایرانیان و عثمانی‌ها با تجربه‌ی مشروطه‌خواهی یکدیگر داشتند. /اختر که انتشار آن به فاصله‌ی کوتاهی پس از اعلان مشروطه‌ی اول عثمانی آغاز شده بود، مهم‌ترین مجرای انتقال فکر و تجربه‌ی مشروطه‌خواهی عثمانیان به ایران بود (برای نمونه بنگرید به: [ترجمه‌ی قانون اساسی عثمانی] اختر، ۳(۴)،

ج. ۱۰۰/۳؛ تقی‌زاده، ۱۳۷۲، ص. ۴۳)، همچنین حضور فعال برخی از مشروطه‌خواهان ایرانی در دبستان ایرانیان (میرزا مهدی اختر، میرزا آقاخان کرمانی، رضاقلی خراسانی و حسین دانش)، از اهمیت این اماکن برای گروه یادشده خبر می‌دهد. از میان این افراد، رضاقلی خراسانی و میرزا مهدی تبریزی که مقالاتی را در *حبل‌المتین* و *اختر* می‌نگاشتند، مدتی مدیریت مدرسه را بر عهده داشتند (تقی‌زاده، ۱۳۷۲، ص. ۴۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۳، ص. ۲۶).

از میان ایرانیان استانبول، مسافران حج نیز شایان توجه‌اند. موقعیت جغرافیایی استانبول، این شهر را بر سر مسیر حج‌گزاری ایرانیان قرار داده بود؛ به‌طوری که همه‌ساله تعداد درخور توجهی (تقریباً سه‌هزار نفر، بنگرید به: فراهانی، ۱۳۶۲، ص. ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰؛ Yıldız, 2016, p. 137) یک‌بار در مسیر رفت و یک‌بار در مسیر برگشت، توقف چندروزه‌ای در این شهر داشتند. این مسافران می‌توانستند در خان والده و یا دیگر اماکن استانبول، با باقی ایرانیان دیدار داشته باشند (برای نمونه بنگرید به: رئیس‌الذاکرین، ۱۳۸۹، ج. ۲/۷-۳۲۱، ۹-۳۲۷). حضور این افراد در استانبول و ارتباطشان با ایرانیان، نقش مهمی در انتشار اندیشه‌ی مشروطه‌خواهی داشت؛ برای نمونه، رئیس‌الذاکرین که بنا بر رسم معمول و برای شب‌نشینی به منزل تاجران ایرانی استانبول رفته بود، پس از مشاهده‌ی تعریف و تمجید اهل خانه از کتاب/حمد، با پرداخت یک مجیدیه^۱ آن را پیش‌خرید کرده بود (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۸۹، ج. ۳۲۹/۷). او همچنین در خانه‌ی آقا میرزا عبدالله (از ایرانیان استانبول) آثاری مانند روزنامه‌ی *حبل‌المتین* و *سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ* را می‌خواند (رئیس‌الذاکرین، ۱۳۸۹، ج. ۳۲۲/۷-۳۲۴). حاجی عبدالله امیرنظام

۱. سکه‌ی نقره‌ی ۲۰ قروش

۸-۱) و شمس که مقارن با استبداد صغیر و مدتی پیش از مشروطه دوم عثمانی انتشار می‌یافت، نقش مهمی را در انتقال اخبار و تجربه مشروطه‌خواهی ایرانیان به عثمانی ایفا می‌کرد (برای نمونه بنگرید به: عبدالرحیم هندی، «جناب ستارخان و باقرخان و سایر سران عدالت‌خواه»، شمس، ۱۵۱، ۳-۵).

چند تن از ایرانیان استانبول که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در جریان مشروطه‌خواهی ایران ایفای نقش کردند، ارتباط نزدیکی با روزنامه‌آختر داشتند؛ مانند میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی و حسین دانش. میرزا حبیب در استانبول، نمایشنامه *Le misanthrope* اثر مولیر را با عنوان «گزارش مردم‌گریز»^۱ و *Aventures d'Hajji Baba d'Ispahan* اثر جیمز موریه را با عنوان «حاجی بابا اصفهانی» به فارسی^۲ ترجمه و منتشر کرده بود (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۳، ص. ۹۷/۲). با توجه به اینکه هر دوی این آثار دارای مضامینی اجتماعی و انتقادی بودند، نقش مهمی را در ارائه‌الگویی برای ادبیات انتقادی ایرانیان داشتند و به‌نوعی الگویی برای زین‌العابدین مراغه‌ای و عبدالرحیم طالبوف در نگارش *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ*^۳ و *سفینه طالبی یا کتاب احمد*^۴ بودند. آثاری که هر دو دارای روحی انتقادی نسبت به دستگاه حاکمه ایران بودند و نقش انکارناپذیری در سوق‌دادن ایرانیان به سوی تکاپوهای مشروطه‌خواهانه ایفا کردند. در ترجمه حاجی بابا اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی و

شیخ احمد روحی، میرزا حبیب را یاری می‌کردند. میرزا آقاخان که بخشی از کتاب *تلماک اثر فنلون*^۵ را به فارسی ترجمه کرده بود (وزیری کرمانی، ۱۳۵۲، ص. ۷۲۶)، پس از قطع رابطه با/ختر، به همکاری با روزنامه *قانون* روی آورد (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۳۳). او در مدت اقامت در استانبول، مکاتبات زیادی با میرزا ملکم خان داشت (بنگرید به: کشمیری، ۱۳۴۸؛ کرمانی، ۱۳۶۸) و از طرف او روزنامه *قانون* را در آن دیار توزیع کرد. او همچنین «حوزه آدمیت» را در استانبول تشکیل داده بود (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۲۷-۲۸).^۶ میرزا آقاخان که به‌سبب انتشار «آثار مضره» به‌همراه خبیرالملک و ارتباط و مخابره‌اش با پاریس، تحت نظر مأموران مخفی عثمانی قرار داشت (BOA, A.MKT, (H-08-12-13) 00534. 00037. 001 (MHM. متوجه اهمیت عتبات و علمای مقیم آنجا نیز بود (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۳۵) و به‌همراه شیخ احمد روحی، نامه‌هایی را در انتقاد از حکومت استبدادی ناصرالدین شاه به علمای عتبات نوشته و آنان را به همکاری در راه پیشرفت اتحاد اسلام، دعوت کرده بود (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۵/۱).

تکاپوهای مشروطه‌خواهی ایرانیان استانبول، بر مشروطه‌خواهی عثمانی‌ها نیز تأثیر داشت؛ برای نمونه، حسین دانش که عضو حلقه دبستان ایرانیان بود، با پذیرفتن معلمی دو خواهرزاده سلطان عبدالحمید دوم-پرنس صباح‌الدین و پرنس لطف‌الله- و همراهی ایشان در سفر اروپا، ارتباط نزدیکی با

^۱ استانبول: مطبعة تصویر افکار، ۱۲۸۶ق؛ ایرج افشار از قول دکتر غلامعلی سیار می‌گوید که این اثر ابتدا در روزنامه‌آختر و بعد به‌صورت مستقل چاپ شده است. او در ادامه از قول تقی‌زاده می‌گوید که کتاب مزبور، «به‌چاپ نستعلیق سربی (حروفی)» است (افشار، ۱۳۳۹، ص. ۴۹۵).

^۲ چاپ کلکته

^۳ مصر، بی‌تا، بی‌نا

^۴ اسلامبول: مطبعة اختر ۱۳۱۱ق.

^۵ این کتاب نیز در فهرست آثار ممنوعه دولت عثمانی قرار داشت.

^۶ آدمیت همکاری میرزا آقاخان با ملکم در رابطه با روزنامه *قانون* را شامل «تبلیغ روزنامه میان ایرانیان و برخی بزرگان عثمانی، فرستادن برای کسانی در ایران و بین‌النهرین و گزارش کردن اخبار و ارائه طریق در نشر حوادث مهم سیاسی ایران» دانسته است (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۳۰).

زبان ترکی که نویسندگی آن را حسن ناجی عهده‌دار بود و در یکی از بزرگ‌ترین تئاترهای استانبول برگزار شد (کازم زاده ایرانشهر، ۱۳۲۹، ص. ۱۵).

۴- استانبول، پایگاهی برای نشر و توزیع آثار فارسی

در طول دوره بحث‌شده، استانبول در کنار تهران، کلکته، تفلیس و قاهره یکی از مهم‌ترین کانون‌های نشر به زبان فارسی محسوب می‌شد (Yıldız, 2017, p. 203; Behnam, 1993, p. 8-9) و نقشی واسطه‌ای در انتقال آثار مکتوبی مانند نامه، کتاب و روزنامه میان ایران و اروپا (به‌ویژه پاریس و لندن) و یا دیگر مناطقی داشت که تحت نفوذ زبان فارسی بودند (هند، قفقاز و آسیای مرکزی) (Yıldız, 2021, p. 70; BOA, MF.MKT. 00363.00008.1 (H-03-03-1315); MF.MKT. 00144.00031.001 (H-29-11-1309); DH.MKT. 00811.00063.008 (H-22-11-1321); DH.MKT. 00811.00063. 010 (H-26-11-1321))

آن‌چنان‌که از اسناد آرشیو عثمانی نیز برمی‌آید، هم‌زمان با اوج‌گیری تکاپوهای مشروطه‌خواهی، ارسال کتاب و روزنامه به استانبول شدت می‌گرفت و این محموله‌ها از مناطق مختلفی از جمله پاریس، لندن، مونیخ، وین، بروکسل، برلین، رم، ژنو، بوداپست، آتن، مصر، قاهره، تونس، نیویورک، مونترال، فیلادلفیا، تهران و... به استانبول فرستاده می‌شد (BOA, ZB. 00023.00056.001 (R-24-10-1323); ZB. 00023.00012.001 (R-06-09-1323); ZB. 00022.00011.001 (R-05-05-1323); HR.TH.00349.00043.002 (M-27-06-1907)) البته

ارسال محموله‌های حاوی کتاب و روزنامه به‌سادگی ممکن نبود؛ زیرا دولت عثمانی بنا بر سانسور شدیدی که در زمان عبدالحمید دوم اعمال می‌کرد، جلوی ورود بسیاری از این محموله‌ها را می‌گرفت. باری آنچه از دیدگاه این پژوهش اهمیت دارد، ممنوعیتی است که

مخالفتان سلطان عثمانی برقرار کرد.^۱ دانش که در سفر انگلستان با ادوارد براون و عبدالحق حامد^۲ آشنا شده و با آنها طرح دوستی در افکنده بود، در بازگشت به استانبول، روزنامه سروش را با همراهی دهخدا و دیگر دوستانش (یحیی دولت‌آبادی، احمد بک آقایی و حسین کازم‌زاده)، منتشر کرد. هرچند این روزنامه عمر درازی نداشت و با مهاجرت این افراد به ایران «بالمه خوابید» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۳، ص. ۲۶، ۲۸-۳۰). افزون بر این‌ها، حسین کازم‌زاده ایرانشهر که برای پیشبرد جنبش مشروطه، «انجمن برادران ایرانی» را در استانبول بنا نهاده بود (کازم‌زاده ایرانشهر، ۱۳۲۹، ص. ۹۳-۹۴)، با نگارش آثاری همچون *تازیانه غیرت* و *ترجمه اصول آدمیت میرزا ملکم خان* به ترکی (کازم زاده ایرانشهر، ۱۳۲۹، ص. ۱۵)، تکاپوهای مشروطه‌خواهانه خود را در میدان عمل و در عرصه نظر به پیش می‌برد. انجمن برادران تا قبل از پیروزی مشروطه دوم عثمانی، به شکل مخفی و از طریق پخش نشریات و مراسلات و انجام سخنرانی‌های خصوصی فعالیت و جوانان ایرانی مقیم عثمانی را به حمایت از مشروطه‌خواهان تشویق می‌کرد. این انجمن که توانسته بود فعالیت خود را در نتیجه فضای پس از پیروزی مشروطه دوم در عثمانی آشکار کند، با انجام سخنرانی‌های عمومی و برگزاری رویدادهایی از جمله تئاتر، در آشنایی ترکان با تجربه مشروطه‌خواهی ایرانیان نیز، نقشی بی‌بدیلی را از خود بر جای گذاشت؛ مانند نمایش تاریخ مشروطه ایران به

۱. ارتباط او با افرادی همچون داماد محمود پاشا و فرزندش پرنس صباح‌الدین اهمیت زیادی دارد که اولی شوهرخواهر و از مخالفان سلطان عبدالحمید دوم و دیگری از رهبران ترکان جوان بود؛ هرچند منابع، آگاهی بیشتری در این باره به دست نمی‌دهند.

۲. شاعر، نمایشنامه‌نویس و دیپلمات عثمانی که برخی آثارش (از جمله *نسترن*) مضامین ضد استبدادی و مشروطه‌خواهی داشت.

دولت عثمانی برای ورود آثار حاوی اندیشه‌های سیاسی ضد استبدادی، از جمله مشروطه‌خواهی، قانون‌خواهی و آزادی‌خواهی اعمال کرده بود.

در ۱۳۱۱ ق. ۱۸۹۳ م. که میرزا ملک‌خان در لندن و با انتشار روزنامه قانون، تکاپوهای قانون‌خواهانه خویش را به پیش می‌برد، پنج نسخه از روزنامه‌اش را، که «سراسر علیه شاه ایران و حکومتش» بود، از سوئیس به استانبول فرستاده بود تا تحویل سفارت ایران شود، ولی کارگزاران دولت عثمانی بنا بر دستور سلطان وقت، تحویل‌دادن این مرسوله را به سفارت ایران جایز ندانستند؛ زیرا در روزنامه، زبان تندى علیه ایرانیان (منظور دولت ایران) به کار رفته بود (BOA, Y.PRK.PT. 00009.00041.001 (H-24-01-1311); Yıldız, 2021, p. 93). باید توجه داشت که عبدالحمید دوم بیش از آنکه نگران بدگویی ملک‌مردان ایران باشد، به فکر منافع سیاسی خود و نشر اندیشه‌های ضد استبدادی ملک‌مردان عثمانی‌ها بود و از این رو تا جایی که می‌توانست، جلوی ورود آنها را می‌گرفت. دولت عثمانی به همین شیوه، ورود کتاب *نامه‌های ایران* را، که در فرانسه و به زبان فرانسه منتشر شده بود، ممنوع و دستوری را مبنی بر «منع ادخال» این اثر «مضر» به «ممالک محروسه شاهانه» صادر کرده بود (BOA, MF. MKT. 00187.00106.002 (H-19-12-1310)). آنان که ورود این کتاب را در دولت عثمانی ممنوع کرده بودند، به‌درستی به اهمیت *نامه‌های ایران* پی برده بودند؛ زیرا این اثر، پایه‌ای بر یکی از مهم‌ترین آثار حاوی اندیشه مشروطه‌خواهی، یعنی *روح‌القوانین* است و ممنوعیت ورود آن نیز جز در ارتباط با این موضوع، به شکل دیگری تفسیر نمی‌شود.

علاوه بر آثاری که از اروپا وارد عثمانی می‌شد، آثاری نیز از ایران و هند، به عثمانی و به‌ویژه استانبول

ارسال می‌شد. این آثار به‌واسطه پست روسیه و آلمان، به دست ایرانیان آن دیار می‌رسید (BOA, ZB. R-11-07-1323) 00043.00027.001). دولت عثمانی در این باره و تا جایی که می‌توانست، آنچه موافق صلاح و منفعت خود نمی‌دید، «آثار ممنوعه» (BOA, HR.ID. 02118.00053.001 (M-12-08-) BOA, Y.A.HUS. (1901) یا «اوراق مضره» (BOA, H-20-12-1312) 00330.00065.001) می‌نامید و جلوی ورود و انتشار آنها را در قلمرویش می‌گرفت. کثرت اسناد مربوط به کتاب‌ها یا روزنامه‌هایی که به این‌گونه وارد عثمانی و به دلایل مختلف مذهبی یا سیاسی توقیف شده بودند، مؤید وجود این جریان دوطرفه است (بنگرید به: BOA, HR.MKT. 00508.00013.001 (H-17-08-1281); DH.ŞFR. 00147.00066.001 (R-24-10-1306); A./MKT.MHM. 00714.00028.002 (H-19-10-1312)). در میان این اوراق مضره و آثار ممنوعه، بسیاری از آثار نیز در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با اندیشه مشروطه‌خواهی بودند. وقتی دست‌کم تا چهار ماه پیش از اعلان مشروطه دوم و در اوج استبداد حمیدی و مجادلات مشروطه‌خواهی عثمانی، روزنامه مجلس (ارگان رسمی مجلس شورای ملی ایران) به استانبول می‌رسید (BOA, BEO. H-14-02-1326) 003272.245350.002). چگونه ممکن است که انتقال دیگر آثار حاوی اندیشه مشروطه‌خواهی از ایران به عثمانی را انکار کرد؟ از همین رو در میان روزنامه‌هایی که در پستخانه گالاتا (غلطه) توقیف شده‌اند، نام روزنامه وطن و مجلس چاپ تهران نیز، به چشم می‌خورد. روزنامه وطن از طریق بیروت و روزنامه مجلس از طریق ارضروم به استانبول ارسال شده بودند (BOA, HR.TH. 00349.00067.002 (M-01-07-1907); HR.TH. 00349.00049.002 (M-29-06-1907)). همچنین روزنامه «فارسی‌العباره»/انجمن چاپ تبریز (BOA,

را از خاک عثمانی به ایران صادر کردند. بر این اساس، این‌گونه آثار -که کم هم نبود- در هر جا که به دست مأموران عثمانی می‌افتاد، باید «امحا و یا احراق» می‌شد (BOA, Y.A.HUS. 00330.00065.001-002-) (H-20-12-1312) 003). چنین موضوعی در یکی از نامه‌هایی بازتاب یافته است که میرزا آقاخان کرمانی به ملکم نوشته است: «از طرف دستگاه نکبت‌بار حکومت وقت توسط سفارت اسلامبول به دایره گمرک عثمانی نامه نوشته شده، خواسته‌اند در بارهای تجار یا چپته‌های رهگذران اگر نسخ قانون ببینند، بگیرند و خبر بدهند» (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۳۱).

۵- فعالیت‌های انتشاراتی ایرانیان در استانبول

کتاب‌فروشی و چاپخانه‌داری، از جمله مهم‌ترین مشاغل ایرانیان استانبول بود. از میان کتاب‌فروشان و چاپخانه‌داران ایرانی که در تاریخ نشر عثمانی هم نقش مهمی داشتند، بعضی فقط به خرید و فروش کتاب مشغول بودند، برخی هم چاپخانه داشتند و فقط کار چاپ را انجام می‌دادند و تعدادی دیگر هم، چاپخانه و هم کتاب‌فروشی داشتند (Yıldız, 2021, p. 74-75). کتاب‌فروشان و چاپخانه‌داران ایرانی استانبول، ارتباط نزدیکی با هم‌وطنان فعال در دیگر اصناف مربوط به نشر، از جمله کاغذفروشان، قرطاسیه‌چیان، جلدسازان و ... داشتند. این ارتباطات به اندازه‌ای بود که تقریباً تمام فرایند چاپ کتاب در شبکه‌ای متشکل از خود ایرانی‌ها، از تهیه کاغذ و چاپ گرفته تا صحافی و پخش (Yıldız, 2021, p. 76)، انجام می‌شد. با توجه به نوشته مہری که در پایین یکی از عریضه‌های کتاب‌فروشان ایرانی استانبول درج شده است، کتاب‌فروشان ایرانی استانبول برای خود تشکیلاتی داشتند تا به نمایندگی از ایشان، بعضی مسائل از جمله دریافت خسارت و یا

DH.MKT. 01165.00041.001 (H-25-03-1325); ZB. 00596.00021.001 (R-08-03-1323) (نقل از: حضرتی، ۱۴۰۰، ص. ۲۲-۲۳) و چهره‌نما (BOA, MF.MKT. 00863.00054.001-003 (H-09-04-1322)، از دیگر روزنامه‌هایی بودند که ورودشان به استانبول ممنوع بود. جدای از مطبوعات فارسی که از ایران به استانبول ارسال می‌شد، آن دسته از مطبوعاتی که در استانبول منتشر می‌شدند نیز، با محدودیت‌های جدی مواجه بودند؛ از جمله آنکه در جریان ارسال چهار صندوق شامل حروف و سرلوحه چند روزنامه به استانبول، حروف و سرلوحه روزنامه شمس نیز، در صوفیه به دست مأموران عثمانی افتاده بود (BOA, HR.SFR. 04.00821.00061.016 (M-04-01-1908). با در نظر گرفتن دیگر اسناد موجود، چنین برداشت می‌شود که هند نیز در جریان انتقال روزنامه و کتاب به عثمانی، نقش شایان توجهی داشت. روزنامه‌هایی از جمله *حبل‌المتین*، *شمس‌الانخبار*، *پیشه‌انخبار*، *وکیل*، *اتفاق* و *گذران* نیز، از جمله دیگر مطبوعاتی بودند که در هند منتشر شده بودند و اجازه ورود به «ممالک شاهانه» را نداشتند (OA, B, DH.MKT. 00945.00013.005; DH.MKT. 00945.00013.007 (H-04-11-1323); MF.MKT. 00550.00042.001 (H-19-12-1318); MF.MKT. 00550.00042.002 (H-19-12-1318); MF.MKT. 00863.00054.001-003 (H-09-04-1322) افزون بر این موارد، کتاب *یادگار جشن سیمین* نیز به سبب محتوایی که داشت، از لحاظ دینی و سیاسی مناسب ورود به عثمانی نبود (BOA, MF.MKT. 00544.00038.001 (H-22-10-1318)).

به نظر می‌رسد که هر دو دولت ایران و عثمانی متوجه شده بودند که ارتباط میان کنشگران سیاسی دو کشور، منافع آنها را با تهدید جدی مواجه خواهد کرد؛ پس مقامات بلندپایه دولت عثمانی (صدراعظم و وزیر خارجه) در هماهنگی با دولت ایران، اوامری مبنی بر جلوگیری از ورود «روزنامه‌ها و اوراق مضره»

- محمدعلی صاحب کتابخانه حیات؛
- محمد نورالدین صاحب کتابخانه آسیا؛
- حاجی قاسم صاحب کتابخانه معارف؛
- ناجی قاسم پسر حاجی قاسم که همراه حاجی علی‌اصغر آقا کتاب‌فروش، در بازار حکاکان کتاب‌فروشی داشت؛
- نصرالله کتاب‌فروش؛
- محمود ایرانی؛
- سید افندی ایرانی؛
- حاجی ابراهیم افندی ایرانی؛
- حاجی آقا؛
- صادق افندی؛
- عبدالکریم: کتاب‌فروش در خان وزیری (Yıldız, 2021, p. 75-76).

۵-۱- چاپخانه‌های ایرانی استانبول

«شرکت صحافی ایرانیه»، از شرکت‌های بزرگ انتشاراتی فعال در استانبول بود. دفتر مرکزی و مطبعه این شرکت که کار چاپ و توزیع آن را بر عهده داشت، در خان والده (سالنامه نظارت معارف عمومی، ۱۳۱۶، ص. ۷۵۸-۷۵۹؛ سالنامه نظارت معارف عمومی، ۱۳۱۸، ص. ۹۲۴-۹۲۵؛ BOA, DH.MKT. (H-17-06-1320) 00581.00039.001)، انبارش در خان حوضلی (حوضلی خان) و کتاب‌فروشی‌اش در محله بایزید (در جوار مقبره سلطان بایزید در طبقه پایینی مسافرخانه عسکری) بود (Diğroğlu, 2020, p. 235-236, 252). در این شرکت، چهار نفر نقش مهمی داشتند که اسامی‌شان از این قرار است: حاجی ابراهیم خلیل افندی که بخش عمده سرمایه را تأمین کرده بود، عباس کریموف که هم سرمایه‌گذار و هم بخشی از کارها بر عهده او بود، محمدظاهر تبریزی و

رفع توقیف کتاب‌های بدون مجوز را پیگیری کنند. نوشته روی مهر عبارت بود از: «کتخدای جماعت کتاب‌فروشان ایرانی ۱۳۱۴» (BOA, MF.MKT. (H-04-04-1321) 00716.00037.10).

آثاری که ایرانیان منتشر می‌کردند، دامنه وسیعی داشت و از قرآن گرفته تا آثار مستهجن، از نوشته‌های ترکان جوان تا داستان‌های عامیانه و از کتب درسی تا تقویم را در بر می‌گرفت. یکی دیگر از کارهای مهم این افراد، چاپ و پخش آثار روشنفکران ایرانی استانبول بود. افزون بر این، درخواست‌هایی تأمین می‌شد که برای کتب منتشرشده در هندوستان و یا آسیای مرکزی وجود داشت (Yıldız, 2021, p. 77-78). کتابچیان ایرانی توانسته بودند به یکی از مجراهای ارتباط میان هند و عثمانی تبدیل شوند و این از آثار منتشرشده به‌وسیله این گروه کاملاً پیداست. این ارتباط هم فرهنگی و هم تجاری بود (Diğroğlu, 2020, p. 236) و در آینده نیز به شکل‌گیری ارتباطات سیاسی منجر شد. همان‌طور که چاپ آثار فارسی مختص ایرانیان نبود، بقیه مطبعه‌ها هم آثار فارسی را چاپ می‌کردند (Diğroğlu, 2018, p. 208-209). فهرست مهم‌ترین فعالان ایرانی صنعت نشر در استانبول از این قرار است:

- محمدظاهر تبریزی و پسرانش علی و کمال، صاحب مطبعه و کتابخانه اختر؛
- آقا میر کریم صاحب کتابخانه (در معنای کتاب‌فروشی) شرق واقع در بازار صحافان بایزید؛
- سید حسن افندی ایرانی صاحب کتابخانه شمس واقع در خیابان باب‌عالی؛
- محمد مهدی تبریزی صاحب مطبعه‌های خورشید و جهان، واقع در خیابان باب‌عالی؛
- سید حسین صاحب کتابخانه و مطبعه مشروطیت واقع در خیابان باب‌عالی؛

DH.MKT. 01985.00065.001 (H-16-01-1310);
İ.DH. 01172.91597 (H-25-07-1307); İstanbul
(Ansiklopedisi, c.6, s. 3308).

۵-۲- چاپ و پخش غیرقانونی کتاب و نشریه

از جمله فعالیت‌های ایرانیان استانبول، چاپ و توزیع غیرقانونی کتاب و انواع نشریات (شامل روزنامه، مجله، تقویم و...) بود. این فعالیت غیرقانونی، شامل چاپ و توزیع می‌شد. پیش از این، اشاره شد که دولت عثمانی اجازه انتشار بعضی «آثار مضره» را نمی‌داد و آنها را در شمار «آثار ممنوعه» می‌گذاشت. با وجود این، ایرانیان دست به انتشار گسترده چنین آثاری می‌زدند. در اینجا مراد از انتشار، چاپ، فروش و توزیع کتاب است که به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شد. علاوه بر خان والده که مهم‌ترین مرکز چاپ چنین آثاری بود، محله بایزید و بازار صحافان (صحافلار چارشوسی) نیز، مهم‌ترین مرکز فروش این آثار به حساب می‌آمدند (BOA, MF.MKT. 00512.00018.007 (26 HAZIRAN 1318); MF.MKT. 00512.00018.008 30 (CEMADILAHİR 1320)). دامنه توزیع این گونه آثار به حدی زیاد بود که چندین درخواست از سوی مقامات عالی‌رتبه عثمانی، از جمله وزیر معارف عمومی و وزیر ضبطیه، مبنی بر لزوم اندیشیدن تدبیری در این باره به مافوقانشان ارسال شده بود (BOA, Y.PRK.BŞK. 00066.00095.001 (H-26-) 02-1320); BEO. 00296.157189.002 (H-25-03-1321); DH.MKT. 02375.00101.001 (H-21-03-1318); Y.PRK.MF. 00004.00059.001 (H-17-08-1320); DH.MKT.02361.00115.001 (H-19-02-1318)). حتی صدراعظم عثمانی به‌شخصه به وزارت داخله دستور داده بود تا ایرانیانی که در چاپ غیرقانونی کتب ممنوعه دست دارند، از عثمانی طرد و تبعید شوند؛ زیرا کتاب‌های ممنوعه‌ای که آنان چاپ کرده بودند، در همه‌جا دیده می‌شد و این افراد از این

حاجی حسین آقا/افندی که شرکت به تجربه‌شان نیاز داشت (Dıġıroġlu, 2020, p. 233). بزرگ‌ترین سهامدار این شرکت، حاجی ابراهیم خلیل (به قول عثمانی‌ها خلیل افندی) از تاجران ایرانی خان‌والده بود که به تجارت «قالیچه و اشیای سایر» اشتغال داشت (BOA, ŞD. 02970.00031.001(H-27-01-) (Dıġıroġlu, 2020, p. 2301313)). سالنامه وزارت معارف، صاحب‌امتیاز شرکت را حاجی عباس ذکر کرده است (سالنامه نظارت معارف عمومی، ۱۳۱۶، ص. ۷۵۸-۷۵۹؛ سالنامه نظارت معارف عمومی، ۱۳۱۸، ص. ۹۲۴-۹۲۵). این شرکت که نیروی کارش را از مهاجران ایرانی تشکیل داده و آنان را با معاشی اندک به کار گرفته بود (Tugay; 1962, p. 129; Dıġıroġlu, 2020, p. 235) آثاری با موضوعات گوناگون، از جمله قرآن کریم و کتب دینی، درسی، تقویم، رمان و نشریات ترکان جوان را منتشر می‌کرد (Dıġıroġlu, 2020, s. 239).

مطبعة اختر به مدیریت محمدطاهر تبریزی که در ۱۲۹۲ق/۱۸۷۵م. ایجاد شد نیز، در کنار شرکت صحافی ایرانیه از بزرگ‌ترین مطبعه‌های فارسی استانبول بود و نقش بی‌بدیلی در انتشار آثار فارسی در استانبول داشت. دفتر مرکزی این چاپخانه در خیابان ابوالسعود، کنار باب‌عالی (سالنامه نظارت معارف عمومی، ۱۳۱۸، ص. ۹۲۸-۹۲۹) بود و دفتر دیگرش در خان‌والده (فراهانی، ۱۳۶۲، ص. ۲۵۴؛ افشار رومی، ۱۳۸۹، ص. ۴۳۷-۶۸۸) و کتاب‌فروشی آن در محله بایزید قرار داشت (BOA, MF.MKT. 000628.00055.001-002-003 (H-17-02-1320)). در مطبعة اختر، علاوه بر روزنامه/اختر، قرآن کریم، تقویم، کارت ویزیت، انواع کتب و جزوات نیز به‌صورت قانونی و غیرقانونی منتشر می‌شد (BOA, ZB. 00017.00093.001 (R-12-05-1308);

(MF.MKT. 00631.00045.001 (H-28-02-1320)،
تاریخ چهل و نهم وزیر (BOA, MF.MKT. (H-24-10-1316) 00437.00028.001)، منتشر شده در
مطبعة ابوالضیا، خط و خطاطان از میرزا حبیب اصفهانی،
یک ترک در پاریس (پاریس بر ترک) از احمد مدحت
افندی، روزنامه تصویر افکار، ترکیب‌بند از ضیا پاشا،
مجموعه ابوالضیا (BOA, MF.MKT. (H-20-06-1320) 00662.00011.004-005) و ترجمه
حال کمال بک از ابوالضیاء توفیق (BOA, MF.MKT. (H-12-01-1317) 00449.00042.001)، اشبر، نظیفه،
تزر، طارق، صحرا، ایچلی قز و دختر هندو از عبدالحق
حامد (H-) BOA, MF.MKT.00323.00055.001-002 (H-25-01-1314) 25، خرده‌فروش از معلم ناجی، تعبیرنامه
BOA, MF.MKT. 00628.00055.001-002-003 (H-) BOA, MF.MKT. (H-17-02-1320) 17)، ترجمه تلماک (BOA, DH.MKT. (H-17-01-1320) 00488.00052.003) و تلخیص
حقوق دول (BOA, MF.MKT. 00442.00017.001-) (H-23-11-1316) 002).

بخش عمده‌ای از این کتاب‌ها را شرکت صحافی
ایرانیه و در مطبعة اختر به چاپ می‌رساند و
همان‌طور که در سطرهای بالا دیده شد، اقبال به آثار
نویسندگان بزرگی از جمله نامق کمال، بیش از دیگر
آثار بود (Tugay, 1962, p. 129-130; Diğiroğlu, 2020, p. 244). انتشار این آثار از سوی شرکت
صحافی ایرانیه، حساسیت دولت عثمانی را برانگیخته
بود، به طوری که دولت به دنبال انتقال شرکت از خان
والده به مکان دیگری بود تا در کنار دیگر چاپخانه‌ها،
به چاپخانه این شرکت هم نظارت راحتی داشته باشد
(H-17-06-) BOA, DH.MKT. 00581.00039.001 (H-1320). سند دیگر، خبر از کتاب‌هایی می‌دهد که
همین شرکت و بدون داشتن مجوز به چاپ رساند و
در دکان کتاب‌فروشان ایرانی بازار حکاکان، کشف

کار دست نمی‌کشیدند (BOA, DH.MKT. (H-21-12-1319) 000464.00031.001). مقارن
اوج‌گیری تکاپوهای مشروطه‌خواهان، مجازات
حاملان این گونه آثار افزایش می‌یافت و دیگر به ضبط
آثار اکتفا نمی‌شد و حاملان آنها هم، دستگیر می‌شدند
(H-01-01-) BOA, MF.MKT. 00978.00018.001 (H-1325). با وجود همه اینها، به نظر می‌رسد دولت
عثمانی موفق به حل این چالش نشده بود؛ زیرا در
تلگرافی به وزارت معارف گفته شده بود که اگر این
کتب ممنوعه، آشکارا در حال فروش در
کتاب‌فروشی‌ها و کوچه‌ها هستند، لاقفل جلوی ارسال
آنها با پست گرفته شود (BOA, DH.MKT. (H-17-08-1319) 02562.00058.001)؛ زیرا این آثار
حتی به خارج از قلمروی عثمانی، از جمله ایران و
هندوستان هم فرستاده می‌شدند (BOA, HR.MKT. (H-04-07-1289) 00759.00093.002).

انتشار آثاری ممنوع بود که با عقاید اهل سنت
مخالفت داشتند، به صحابه بی‌احترامی می‌کردند و یا
با سیاست‌های استبدادی عبدالحمید دوم همخوانی
نداشتند. بیشتر آثاری که از ایرانیان صادره شده بود،
در یکی از همین دو دسته قرار می‌گرفتند که از جمله
آنها، به این موارد اشاره می‌شود: گل‌نهال، انتباه
(BOA, MF.MKT. 00628.00055.001-002-003 (H-17-02-1320) 17)، کودک نگون‌بخت (زواللی
چوجوق)، امیر نوروز (منظور، ترجمه حال امیرنوروز
است)، وطن، (وطن یا خود سلستره) اوراق پریشان
عاکف بک و بارقه ظفر (BOA, MF.MKT. (H-20-06-1320) 00662.00011.004-005) از نامق
کمال (H-16-) BOA, MF.MKT. 00434.00035.001 (H-09-1316); BOA, MF.MKT. 00449.00040.001 (H-12-01-1317); BOA, MF.MKT. 00434.00021.001 (H-09-09-1316); BOA, MF.MKT. 00433.00050.001 (H-04-09-1316); BOA,

نکته شایان توجه، چاپ غیرقانونی کتاب است که ایرانیان استانبول- و در رأس آنها محمدطاهر- گوی سبقت را در آن میدان، از همه ربوده بودند. طاهر افندی که به تصریح یکی از اسناد عثمانی «به طبع و نشر آثار مضره اعتیاد دارد» (BOA, MF.MKT. 00213.00031.002 (H-17-01-1312)den nakleden: Yıldız, 2017, p. 187)، بدون کمترین واهمه‌ای، چه در مطبعه‌ای که در خان والده داشت و چه در مطبعه کنار باب‌عالی، کتاب‌هایی را به چاپ می‌رساند که چاپشان از نظر دولت عثمانی ممنوع بود (BOA, DH.MKT. 01985.00065.001 (H-16-01-) dan nakleden: Yıldız, 2017, p. 187). شدت این فعالیت، دولت عثمانی را بر آن داشت که در پی انتقال چاپخانه او به جایی برآید که امکان «تفتیش و معاینه» آن راحت‌تر باشد (BOA, MF.MKT. 00213.00031.002 (H-17-01-1312)den nakleden: Yıldız, 2017, p. 187). طاهر افندی به سبب کتاب‌هایی که غیرقانونی چاپ کرده بود، مدام با مقامات عثمانی در چالش بود و هر بار می‌کوشید خود را به طریقی برهاند. او حتی برای نجات از جریمه و مصادره کتاب‌ها، مقامات سفارت ایران را نیز وارد ماجرا می‌کرد (BOA, MF.MKT. 00145.00010.001 (H-17-12-1309)dan nakleden: Yıldız, 2017, p. 191). چاپ بدون مجوز کتاب از سوی محمدطاهر، حتی گریبان ایرانیان را نیز گرفته بود؛ زیرا او کتاب احمد یا سفینه طالبی را که میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی پیشتر، در مطبعه اختر منتشر کرده بود هم، بدون اجازه نویسنده، تجدید چاپ کرده بود (نامه حاجی ملا عبدالرحیم تبریزی مؤلف کتاب احمد به مدیر مطبعه خورشید، ۲ رجب ۱۳۱۸ ق. [معادل ۲۶ اکتبر ۱۹۰۰]).

محمدطاهر نه تنها کتب ممنوعه را منتشر می‌کرد، واسطه‌ای برای پخش آنان نیز بود. او در نامه‌ای

شده بود (BOA, MF.MKT. 00509.00022.001 (H-19-02-1318)). باید توجه داشت که چاپ غیرقانونی کتاب را تنها ایرانی‌ها انجام نمی‌دادند، ولی چون آنان در این کار شهره بودند، ترک‌ها هم برای این کار به آنها مراجعه می‌کردند. نمونه‌ای از این افراد، اسماعیل افندی است که بدون اخذ مجوز، تقویم‌هایی را در چاپخانه شرکت صحافی ایرانیه چاپ می‌کرد و آنها را به کمک کودکان مهاجر در کوچه‌ها می‌فروخت (BOA, MF.MKT. 00771.00030.001 (H-09-01-1322)).

جای هیچ تعجب نیست که نام مدیر مطبعه اختر-محمدطاهر تبریزی- نیز در میان افرادی دیده شود که دست به انتشار غیرقانونی کتاب می‌زدند. این اقدام او واکنش دولت عثمانی را در پی داشت (BOA, BEO. 000039.002924.001 (H-02-01-) 1310)؛ زیرا کتاب‌هایی که منتشر می‌کرد، نه تنها مجوز نداشت، بلکه براساس «نظامنامه مطبوعات» او تنها حق انتشار روزنامه را داشت و مجاز به انتشار هیچ کتابی نبود (BOA, DH.MKT. 01991.00032.001 (H-29-01-1310) مدیریت کتابفروشی اختر، با کمال، فرزند محمدطاهر، بوده است. از این دکان که مأموران عثمانی چندین بار آن را تفتیش کرده بودند نیز، آثار ممنوعه‌ای که به دست آمده بود، بیشتر متعلق به عبدالحق حامد، ضیا پاشا، معلم ناجی و نامق کمال بودند (BOA, MF.MKT. 00323.00055.001-002 (H-25-01-1314); BOA, MF.MKT. 00628.00055.001-002-003 (H-17-02-1320)).

محمدطاهر به واسطه شغلش، نقش مهمی در جریان انتشار کتاب و روزنامه در استانبول داشت. در طول دوره بحث‌شده، تعداد زیادی از ایرانیان همانند او، مشغول کار نشر بودند و از راه نگارش، چاپ و یا فروش کتاب گذران زندگی می‌کردند. در این میان،

BOA,) (05-1318) مدیر اختر و عضو انجمن تفتیش (BOA,) (MF.MKT. 00671.00040.001 (H-25-07-1320) آن را در محله محمود پاشا و در کنار خان سیواجیان بنا کرده بود (BOA, DH.MKT. 02375.00071.001 (H-21-03-1318)) نیز، از چاپ غیرقانونی کتاب بی‌نصیب نمانده (BOA, MF.MKT. 00671.00040.001; MF.MKT. 00656.00001.001 (H-21-05-1320) و آثاری از جمله ترجمه تلماک و *ینابع الموده* را بدون مجوز، منتشر کرده بود (BOA, DH.MKT. 00488.00052.001 (H-17-01-1320); DH.MKT. 00488.00052.002 (H-17-01-1320)).

با وجود آنکه ایرانیان با علم به ممنوعیت چاپ بدون مجوز، دست به انتشار چنین آثاری می‌زدند، از دولت و گاه سلطان عثمانی درخواست رفع توقیف و یا پرداخت خسارت داشتند! در بعضی موارد، حتی سفیر ایران نیز کتاب‌فروشان را همراهی می‌کرد؛ از جمله میرزا رضا ارفع‌الدوله (برای آگاهی از کارنامه سفارت او در استانبول، بنگرید به: *حضرتی و صادقی*، ۱۴۰۱) که نامه درخواست او به «مابین همایون»^۲ و عریضه کتاب‌فروشان ایرانی به سلطان عثمانی، مبنی بر پرداخت خسارت کتاب‌های توقیف‌شده، در آرشیو عثمانی موجود است (BOA, Y.PRK.EŞA. 00040.00087.001 (H-12-05-1320)). با خوانش مهر و اسامی کسانی که این عریضه را امضا کرده‌اند، نام چند تن از افرادی به دست می‌آید که در این کار بودند؛ از جمله اقل‌الحاج حاج صادق دیلمقانی، علی بن طاهر اختر، میرزا احمد ایرانی، اقل‌الحاج محمدقاسم، محمد خویی، هاشم بن محمود، اقل‌العباد حاجی تقی خویی، عباسقلی صحاف ایرانیان، محمدحسن، اقل‌العباد علی کتاب‌فروش (BOA, Y.PRK.EŞA. 00040.00087.002 (H-12-05-1320)).

خطاب به ملکم، از او درخواست کرده بود که پخش قانون در استانبول را به او بسپارد: «هرگاه توزیع قانون را در اسلامبول به اینجانب واگذار فرمایید، ظاهراً بهتر است؛ آن وقت نه توی پاکت گذاشتن لازم است و نه غیر. به‌طور عادی، بسته به نام حقیر نوشته پیوسته بدهند، به دست غیر نمی‌رسد؛ به قرار قاعده‌ای که داریم، در پستخانه انگلیس نگاه می‌دارند تا آدم خود حقیر رفته می‌آورد...»^۱ (کرمانی، ۱۳۶۸، ص. ۱۸۹). از محتوای نامه مشخص می‌شود که محمدطاهر با انگلیسی‌ها نیز مناسباتی داشت و از آنان نیز برای پخش آثار مدنظر بهره می‌برد. درخواست میرزا عبدالحسین خان افشار رومی از محمدطاهر، مبنی بر ارسال گره‌ها و کتاب‌هایش به ایران (افشار رومی، ۱۳۸۹، ج. ۴/۵۴۲)، جای بحثی باقی نمی‌گذارد که او را یکی از واسطه‌های انتقال کتاب از استانبول به ایران بدانیم. او که با کمک میرزا مهدی اختر، فعالیت مطبوعاتی گسترده‌ای را در استانبول ایجاد کرده بود، افزون بر ایرانیان، با انیرانیانی نیز ارتباط داشت که نقش مهمی را در جریان مشروطه ایران ایفا می‌کردند؛ از آن جمله ادوارد براون بود که تحت تأثیر روزنامه/اختر قرار داشت و آن را ستایش می‌کرد (Gurney, 1993: 153).

افزون بر شرکت صحافی ایرانیه و مطبوعه اختر، مطبوعه خورشید که حاج میرزا محمد مهدی (Yıldız, 2021, p. 87; BOA, DH.MKT. 00488.00052.001; DH.MKT. 02402.99 (H-20-

۱. «هرگاه توزیع قانون را در اسلامبول به اینجانب واگذار فرمائید، ظاهراً بهتر است. آن وقت نه توی پاکت گذاشتن لازم است و نه غیر. به‌طور عادی، بسته به نام حقیر نوشته پیوسته بدهند به دست غیر نمی‌رسد؛ به‌قرار قاعده‌ای که داریم، در پستخانه انگلیس نگاه می‌دارند تا آدم خود حقیر رفته می‌آورد...» (کرمانی، ۱۳۶۸، ص. ۱۸۹) به نظر می‌رسد که هما ناطق و محمد فیروز در خواندن این کلمه دچار اشتباه شده باشند؛ زیرا به پوسته (پست)، درست‌تر به نظر می‌رسد.

۲. بخشی از سرای عثمانی که مسئول رسیدگی به امور دولتی بود.

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال بررسی « نقش ایرانیان استانبول در نشر و توزیع متون تجددگرایانه و مشروطه‌خواهانه»، از طریق کشف مجراهای ارتباط مشروطه‌خواهان ایرانی و همتایان عثمانی‌شان برآمد. استانبول که از نیمه دوم قرن ۱۹م. / ۱۳ق. پذیرای موج جدیدی از مهاجران ایرانی شده بود، در نشر و توزیع آثار فارسی‌زبان نیز، موقعیت مهم و کانونی داشت؛ به طوری که علاوه بر مخاطبان عثمانی، بخشی از نیاز بازار نشر در ایران، هند، آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا را نیز تأمین می‌کرد. از میان ایرانیانی که به آنجا مهاجرت کرده بودند، بازرگانان، کارگران، کنشگران سیاسی فراری، حاجیان و دیپلمات‌ها، مهم‌ترین گروه‌های ایرانیان استانبول را تشکیل می‌دادند و هر یک به نحوی در ارتباط با موضوع مدنظر این پژوهش، ایفای نقش می‌کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد تماس‌های گسترده‌ای که میان گروه‌های مختلف ایرانیان استانبول جریان داشت، نقش مهمی را در انتقال اندیشه‌های سیاسی جدید، همچون مشروطه‌خواهی میان ایران و عثمانی ایفا می‌کرد؛ از جمله این گروه‌ها، بازرگانان بودند که افزون بر ایرانیان، با طیف‌های گوناگون جامعه عثمانی نیز، ارتباط داشتند. فعالیت این بازرگانان؛ به امور تجاری محدود نبود و در امور سیاسی و فرهنگی نیز، نقش آفرینی می‌کردند؛ چنان‌که با تأسیس شرکت صحافی ایرانیه در کنار اهداف تجاری، اهداف سیاسی- فرهنگی خود را نیز پی گرفته بودند، با تأمین مالی فعالیت‌های قلمی فراریان سیاسی ایرانی و روزنامه‌هایی مانند/ختر و شمس، انجمن‌هایی همچون انجمن برادران و نهادهایی همچون مدرسه و مریضخانه ایرانیان را نیز، از حمایت خود بهره‌مند کرده و این‌گونه

کتابچیان ایرانی استانبول، تنها ایرانیان را طرف حساب خود نمی‌دیدند و با عثمانی‌ها، به خصوص اعضای جمعیت اتحاد و ترقی هم ارتباط نزدیکی داشتند. همچنین با پخش آثاری که حاوی اندیشه‌های مشروطه‌خواهانه‌ای همچون قانون‌خواهی، ضدیت با استبداد و انتقاد نسبت به وضعیت موجود بودند، نقش مهمی در جریان مشروطه‌خواهی عثمانی‌ها داشتند. در این باره، روایتی جالب توجه و مؤید این سخن است که عمر فائق نعمان‌زاده سرویراستار مجله *ملانصرالدین* به دست می‌دهد. او مدعی است که در زمان اشتغال به تحصیل در دارالشفقه (فارغ‌التحصیل در ۱۳۰۸ق. / ۱۸۹۱م.) آثار نویسندگانی همچون نامق کمال، توفیق فکرت، رجائی‌زاده، محمود اکرم و عبدالحق حامد را از چاپخانه‌داران ایرانی می‌گرفتند و به‌طور پنهانی در مدرسه منتشر می‌کردند (Numanzade, 2000, p. 26- 39; Rasim, 1980, p. 96; Yıldız, 2021, p. 73-74). اشاره‌ای که ابراهیم تمو (از پایه‌گذاران جمعیت اتحاد و ترقی) در خاطراتش به میرزا رضا کرمانی داشته است هم، نمونه دیگری از نقش ایرانیان در تأمین چنین آثاری برای عثمانی‌هاست. بر این اساس، میرزا رضا کرمانی، که بعدها ناصرالدین شاه را به قتل رساند، مطبوعات ممنوعه‌ای که در اروپا منتشر می‌شدند را برای تمو تأمین می‌کرد (Temo, 1939; Mardin, 1994, p. 66). آن‌چنان‌که پیداست، توزیع گسترده چنین آثاری، نقش بی‌بدیلی در پخش و انتشار اندیشه مشروطه‌خواهی در استانبول داشت؛ از همین رو احمد راسم-نویسنده و سیاستمدار عثمانی- نیز گفته است: «تلاش کتاب‌فروشان ایرانی در انتشار مداوم آثاری که حکومت [عثمانی] آنها را مضر می‌دانست، خدمتی بود بسیار مهم» (İstanbul Ansiklopedisi, 1958, c. 6, s. 3309).

نقش مهمی در حمایت از ایرانیان استانبول و تکاپوهای مشروطه‌خواهانه آنان ایفا کرده بودند.

این پژوهش در ادامه و با تمرکز بر کانون‌های فعالیت ایرانیان و با تأکید بر اماکنی همچون خان‌والده، مدرسه ایرانیان استانبول و روزنامه/اختر، نقش و جایگاه آنان را در تکمیل زنجیره ارتباط میان مشروطه‌خواهان ایرانی و عثمانی نشان داد و با در نظر گرفتن ایرانیان فعال در صنعت نشر عثمانی، چگونگی نقش آفرینی ایشان را در تولید و انتقال آثار حاوی اندیشه تجدد و مشروطه‌خواهی، توصیف کرد. همچنین با تمرکز بر ایرانیان چاپخانه‌دار و یا اهل قلم، به‌عنوان عوامل نشر و توزیع آثار مدنظر، نقش این افراد در چنین آثاری میان ایران و عثمانی بررسی و مشخص شد که حضور این افراد در عثمانی و برقراری ارتباط میان آنان با هم‌تایان ایرانی و عثمانی‌شان، علاوه بر همکاری در تألیف، ترجمه و انتشار، در جریان توزیع آثار مدنظر نیز تأثیر بسزایی داشت. ایرانیان چنین آثاری را به‌وسیله شرکت صحافی‌ای ایرانیه، مطبعه اختر در خان‌والده و مطبعه خورشید در محله محمود پاشا منتشر می‌کردند و از طریق کانون‌های دیگری همچون کتاب‌فروشی‌ها (به‌ویژه در بازار صحافان)، به دست مخاطبان ایرانی و عثمانی خود می‌رساندند. این آثار افزون بر تغذیه فکری استانبول، به مناطق دیگری از جمله ایران و عراق نیز صادر می‌شد.

همچنین با بررسی جایگاه کانونی استانبول، مشخص شد که این شهر، به‌واسطه دارابودن چنین موقعیتی، در جریان مشروطه‌خواهی ایرانیان و عثمانی‌ها، نقش واسطه‌ای در ارسال و دریافت آثار مکتوبی همچون کتاب و روزنامه داشت؛ به‌طوری که کتاب‌ها و روزنامه‌های گوناگونی از آنجا صادر یا به آنجا وارد می‌شد. هرچند دولت عثمانی به‌دلیل سیاست استبدادی و سانسور مطبوعاتی عبدالحمید

دوم، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از ورود آثاری به کار می‌بست که موافق صلاح و منفعت خود نمی‌دید. رویکرد دولت عثمانی در جلوگیری از ورود کتاب و نشریات به قلمرو خویش، نشان‌دهنده چند نکته است: نخست اینکه استانبول ایستگاهی میان ایران و اروپا بود، نقش واسطه‌ای در انتقال افکار و آثار سیاسی داشت و می‌توانست شامل موضوعات مختلف از جمله تجدد، نوع حکومت و... باشد؛ دوم اینکه این آثار، مخاطبان گوناگونی داشتند و سوم اینکه دولت عثمانی تحولات مشروطه‌خواهی را در ایران دنبال کرده و متوجه تأثیر فکری ایرانیان بر جریان مشروطه‌خواهی عثمانی شده بود و از همین رو تلاش می‌کرد تا جلوی آن را بگیرد. نکته دیگر این است که برخلاف تصور موجود، مشروطه‌خواهان ایرانی در استانبول، آسایش و آزادی عمل کاملی نداشتند و آنان نیز در فضای خفقان‌زده استبداد حمیدی به‌سختی و در بیشتر موارد به‌صورت مخفیانه عمل می‌کردند؛ هرچند نسبت به هم‌تایان عثمانی‌شان، کمتر مورد حساسیت قرار داشتند.

درنهایت، این پژوهش نشان داد در طول دوره مدنظر، استانبول نقش مهمی در ایجاد پلی برای انتقال کتاب و روزنامه میان ایران و عثمانی داشت و علاوه بر تغذیه فکری دیگر کانون‌ها، خود نیز از محصولات فکری آنان استفاده و دوباره محصولات فکری جدیدی را به دیگر کانون‌ها «بازپخش» می‌کرد. ممنوعیتی که دولت‌های عثمانی و ایران برای این انتقالات ایجاد کرده بودند نیز، از آن روی بود که متوجه این دقیقه شده بودند. اگرچه دولت عثمانی دلیل ممنوعیت ورود این آثار را ضرر دینی و سیاسی اعلام می‌کرد و این آثار در هیچ سندی، حاوی اندیشه مشروطه‌خواهی معرفی نشده‌اند، اما با در نظر گرفتن شرایط زمانی، محتوای آثاری که از لحاظ سیاسی

جمعی از نویسندگان (۱۳۴۳). *ایوان ملدین، تسدیس قصیده خاقانی*. چاپخانه ایرانشهر.

جورابچی، حاج محمدتقی (۱۳۸۹). *سفرنامه مکه*، به کوشش علی قیصری، مندرج در: جمعی از نویسندگان، *سفرنامه‌های حج قاجاری*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: علم، ج ۹، ۹۶۵-۹۷۹.

حضرتی، حسن (۱۴۰۰). *مشروطه ایران به روایت آرشیو عثمانی*. لوگوس.

حضرتی، حسن، و صادقی، محمدحسین (۱۴۰۱). *میرزا رضا ارفع‌الدوله و سفارت عثمانی*. در *ایرانیان استانبول* (به کوشش محمدحسین صادقی). (صص. ۶۷-۸۵). لوگوس.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*. عطار.

رئیس‌الذکرین (۱۳۸۹). *سفرنامه حج*، مندرج در: جمعی از نویسندگان، *سفرنامه‌های حج قاجاری*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: علم، ج ۷، ۳۰۳-۳۴۴.

رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴). *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*. ستوده.

صالحی، نصرالله (۱۳۸۹). *افول اختر و طلوع شمس در استانبول*. پیام بهارستان، ۲(۷)، ۸۹۵-۹۰۶.

<https://ensani.ir/fa/article/96201>

فراهانی، محمدحسین (۱۳۶۲). *سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی* (به کوشش مسعود گلزاری). فردوس.

قدیمی قیداری، عباس، و صادقی کاکرودی، علی (۱۳۸۸). *رویکرد روزنامه‌آختر به اندیشه‌های سیاسی جدید و تحولات انقلاب فرانسه*. تاریخ، ۴(۱۴)، ۱۳۳-۱۴۹.

<https://www.sid.ir/paper/184833/fa>

کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۲۹). *شرح حال دانشمند و نویسنده شهیر آقای حسین کاظم‌زاده ایرانشهر*

«مضر» تشخیص داده شده بودند، چیزی جز ضدیت با استبداد، آزادی‌پروری و یا مشروطه‌خواهی نبود.

منابع

آدمیت، فریدون (۱۳۵۷). *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*. پیام.

افشار، ایرج (۱۳۳۹). *میرزا حبیب اصفهانی*. یغما، (۱۵۰)، ۴۹۱-۴۹۷.

افشار رومی، میرزا عبدالحسین خان (۱۳۸۹). *سفرنامه مکه معظمه*، به کوشش رسول جعفریان، مندرج در: جمعی از نویسندگان، *سفرنامه‌های حج قاجاری*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: علم، ج ۴، ۴۳۷-۶۸۸.

امیرنظام قراگوزلو، حاجی عبدالله (۱۳۸۹). *سفرنامه مکه معظمه*، به کوشش عنایت‌الله مجیدی، مندرج در: جمعی از نویسندگان، *سفرنامه‌های حج قاجاری*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: علم، ج ۷، ۳۰-۱۵۱.

بهنام، جمشید (۱۳۷۲). *منزلگاهی در راه تجدد ایران: اسلامبول*. *ایران‌نامه*، ۱۱(۴۲)، ۲۷۱-۲۸۲.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/363723>

بی‌نا (۱۳۱۶). *سالنامه نظارت معارف عمومی*. استانبول.

بی‌نا (۱۳۱۸). *سالنامه نظارت معارف عمومی*. استانبول.

پیرزاده نائینی، حاجی محمدعلی (۱۳۴۲-۱۳۴۳). *سفرنامه حاجی پیرزاده* (به کوشش حافظ فرمانفرمائی). انتشارات دانشگاه تهران.

تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۲). *زندگی طوفانی، خاطرات سید حسن تقی‌زاده* (به کوشش ایرج افشار). علمی.

وزیر وظایف (به کوشش سید علی قاضی عسکر).

مشعر.

وزیری کرمانی، احمدعلی خان (۱۳۵۲). تاریخ کرمان

(سالاریه) (به کوشش ابراهیم باستانی پاریزی).

ابن سینا.

وطن دوست، رضا، و پورحسن دارابی، جلیل (۱۳۸۴).

روزنامه اختر و ترویج قانون و قانون‌گرایی در

عصر ناصری. مسکویه، (پیش‌شماره ۱)، ۱۲۰-

۱۶۸. <https://ensani.ir/fa/article/179489>

اسناد آرشیوی

Türkiye Cumhuriyeti Cumhurbaşkanlığı
Devlet Arşivleri Başkanlığı Osmanlı Arşivi
(BOA)

روزنامه‌ها

روزنامه اختر

روزنامه شمس

(با مقدمه ابوالفضل حادقی، به سرمایه شرکت نسبی

حاج محمدحسین اقبال و شرکا). اقبال.

کرمانی، میرزا آقاخان (۱۳۶۸). نامه‌های تبعید (به

کوشش هما ناطق و محمد فیروز). چاپ افق

کلن.

کشمیری، محمد (۱۳۴۸). مکاتیب تاریخی به خط

بزرگان: نامه‌هایی از میرزا آقاخان کرمانی.

بررسی‌های تاریخی، ۴ (۵-۶)، ۱۶۴-۱۱۹.

محللاتی، محمدعلی (حاج سیاح) (۱۳۶۳). سفرنامه

حاج سیاح به فرنگ. ناشر.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگانی من یا تاریخ

اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. زوار.

نصر، عباس (۱۳۸۶). آزادی، قانون و مجلس در نگاه

روزنامه اختر. یاد، ۲۳ (۸۶)، ۱۰۰-۱۵۷.

<https://ensani.ir/fa/article/19203>

وزیر وظایف، داود (۱۳۸۹). سفرنامه میرزا داوود

[ge/363723](https://ensani.ir/fa/article/363723) [In Persian].

Dığıroğlu, F. (2020). Osmanlı Matbuatında
Acemler: Şirket-i Sahafiye-i İraniye.
Osmanlı Araştırmaları, (56), 225-258.
<https://doi.org/10.18589/oa.862793>

Dowlatabadi, Y. (1992). *Life of Yahya*. Attar.
[In Persian].

Farahani, M. H. (1983). *Travelogue of Mirza
Mohammad Hossein Farahani* (M.
Golzari, ed.) Ferdous. [In Persian].

Ghadimi Gheydari, A., & Sadeghi Kakroudi,
A. (2009). Akhtar newspaper's approach to
new political ideas and developments of
the French Revolution. *Tarikh*, 4(14), 133-
149. <https://www.sid.ir/paper/184833/fa>
[In Persian].

Gurney, J. (1993). *E. G. Browne and the
Iranian Community in Istanbul*, *Les
Iraniens d'Istanbul* (Thierry Zarcone-F.
Zarinebaf-Shahr, Ed.) Istanbul-Tehran.

Hazrati, H. (2021). *Iran's constitution
Movement as narated by Ottoman
archives*. Logos [In Persian].

Hazrati, H., & Sadeghi, M. H. (2022). *Mirza
Reza Arfa al-Dawlah (1270-1356 AH) and*

References

A group of writers (1964). *Ivan Madain,
Tasdis of Khaqani's Qasida*. Iranshahr
Printing House. [In Persian].

Adamiyat, F. (1979). *Thoughts of Mirza Agha
Khan Kermani*. Payam. [In Persian].

Afshar Roumi, M. A. H. (2010). Mecca
travelogue. In *Qajar Haj travelogues* (R.
Jafariyan, Ed.), Vol. 4, pp. 437-688. Elm.
[In Persian].

Afshar, I. (1960). Mirza Habib Isfahani.
Yaghma, (150), 491-497. [In Persian].

Amir Nezam Gharagozlou, H. A. (2010).
Mecca travelogue. In *Qajar Haj
travelogues* (R. Jafariyan, Ed.), Vol. 7, pp.
30-151. Elm. [In Persian].

Behnam, J (1993). *Le role de la Communauté
Iranienne d'Istanbul dans le Processus de
Modernisation de l'Iran, Les Iraniens
d'Istanbul* (T. Zarcone F. Zarinebaf-Shahr,
Ed.). Institut Francais de Recherche.

Behnam, J. (1993). A destination on the way to
Iran's modernization: Istanbul. *Irannameh*,
11 (42), 271- 282.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepa>

- the Record of the Ottoman Embassy. Iranians of Istanbul, Logos. [In Persian].*
- İbanoğlu, F. (2018). Osmanlı Coğrafyasında Basılmış Farsça Kitaplara Bir Başka Açıdan Bakmak: 19. Yüzyıl İstanbul Tekke Kütüphanelerindeki Matbu Farsça Eserler. *Müteferrika* (54), 208-209.
- Jourabchi, M. T. (2010). Mecca travelogue. In *Qajar Haj travelogues* (R. Jafariyan, Ed.), Vol. 9, pp. 695-979. Elm. [In Persian].
- Kazemzadeh Iranshahr, H. (1950). *The biography of the famous scientist and writer Mr. Hossein Kazemzadeh Iranshahr* (with an introduction by A. Hazeqi, the honorable representative of the National Council, with the capital of Haj Mohammad Hossein Ighbal and Partners). Eghbal. [In Persian].
- Kermani, M. (1989). *Deportation letters* (H. Nategh & M. Firouz, Eds.). Cologne. [In Persian].
- Keshmiri, M. (1969). Historical letters written by elders: letters from Mirza Agha Khan Kermani. *Barrseihaye Tarikhi*, 4(5-6), 119-164. [In Persian].
- Kurtuluş, R. (2010). *1906-1911 İnan Meşrutiyet Hareketinde Osmanlı Etkisi*, T.C. Marmara Üniversitesi Ortadoğu Araştırmaları Enstitüsü, Ortadoğu Siyasi Tarihi ve Uluslararası İlişkileri Anabilimdalı.
- Lawrence, T. E. (2015). *Akhtar: A Persian Language Newspaper Published in Istanbul and the Iranian Community of the Ottoman Empire in the Late Nineteenth Century*. Libra Kitap.
- Lawrence, T. E. (2018). *An Age of Trans-Imperial Vernacularisms: The Iranian Dissident Community of the Late Ottoman Empire*. [Unpublished doctoral thesis], Yale University.
- Mahallati, M. A. (Haj Sayyah) (1984). *Hajj Syah's travelogue to Farang*. Nasher. [In Persian].
- Mardin, Ş. (1994). *Jön Türklerin siyasi Fikirleri 1895-1908*. İletişim Yayınları.
- Mostofi, A. (2005). *The Administrative and Social History of the Qajar Period: The Story of My Life*. Zovvar. [In Persian].
- Nasr, A. (2007). Freedom, law and parliament in the Akhtar newspaper. *Yad*, 23(86), 100-157. <https://ensani.ir/fa/article/19203> [In Persian].
- Numanzade, O. F. (2000). *Kafkasya'dan İstanbul'a Hatıralar*, haz. İrfan Murat Yıldırım ve Fazıl Gökçek. Akademi Yayınevi.
- Pirzade Nayini, M. A. (1964). *Haji Pirzadeh's travelogue* (by H. Farmanfarmanian). Tehran University Press. [In Persian].
- Rasim, A. (1980). *Matbuat Hatıralarından: Muharrir Şair Edip*, haz. Kazım Yetiş. Kervan Yayınları.
- Reis Ol-Zakerin (2010). Mecca travelogue. In *Qajar Haj travelogues* (R. Jafariyan, Ed.), Vol. 7, pp. 303-344. Elm. [In Persian].
- Reisniya, R. (1995). *Iran and Ottomans at the threshold of the 20th century*. Sotoudeh [In Persian].
- Reşat Ekrem Koç (Ed) (1958). "Büyük Valide Hanı", *İstanbul ansiklopedisi*, İstanbul: Hüsnütabiat ve Ercan Matbaaları, c. 6, ss. 3307-3313.
- Salehi, N. (2010). The setting of the Akhtar and the rising of the Shams in Istanbul. *Payam-e Baharestan*, 2(7), 895-906. <https://ensani.ir/fa/article/96201> [In Persian].
- Sohrabi, N. (2011). *Revolution and Constitutionalism in the Ottoman Empire and Iran*. Cambridge University Press.
- Taghizadeh, H. (1993). *A stormy life, Seyyed Hassan Taghizadeh's memoirs* (I. Afshar, Ed.). Elmi [In Persian].
- Temo, İ. (1939). *İttihat ve Terakki Cemiyeti'nin Teşekkülü ve Hidemat-ı Vataniye ve İnkılabı Milliye Dair Hatıratım*. Mecidiye.
- Tugay, A. (1962). *İbret, Abdülhamid'e verilen Jurnaller ve Jurnalciler*. Okat Yayınevi.
- Vatandoust, R., & PourHasan Darabi, J. (2005). Akhtar newspaper and the promotion of law and legalism in the Period of Nasereddin Shah. *Meskavayh*, (1), 120-168. <https://ensani.ir/fa/article/179489> [In Persian].
- Vazir Vazayef, D. (2010). *Travelogue of Mirza Dawood Vazir Vazayef* (S. A. Ghaziaskar, Ed.). Mashar. [In Persian].

- Vaziri Kermani, A. A.(1973). *History of Kerman (Salariyeh)* (M. I. Bastani Parizi, Ed.). [In Persian].
- Yıldız, G. (2016). İranlı Hacıların gözüyle İstanbulu temaşa. *Marmara Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, (51), 135-160.
- Yıldız, G. (2017). İstanbul'da bir acem matbaası: Kitapçı Tahir ve Ahter. *Osmanlı Araştırmaları, L*, 175-218.
- Yıldız, G. (2021). Farsça Neşriyat bağlamında İstanbul ve Ahter Matbaası. *Kebikeç*, (51), 69-104.

Archival documents

- Presidency of the Republic of Türkiye,
Directorate of State Archives (*BOA*)
- Türkiye Cumhuriyeti Cumhurbaşkanlığı
Devlet Arşivleri Başkanlığı Osmanlı Arşivi
(*BOA*)

Newspapers

- Akhtar Newspaper*
- Shams Newspaper*